

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده : محمود شاداب
۲۳ مارچ ۲۰۱۹

[یار جفا جو]

گذشت عمر عزیز من نگفتم یک سخن با تو
دل پر آرزویم پایمال نامرادی شد
خدا داند دل پر درد و داغ من صحت می شد
به هر جا با رقیبی هیچ جا بی او نمی باشی
غزال نازنینت زاده صحرای بی رنگیست
سرا پا در گرفتم همچو شمع محفل از وصلت
باین ساز و صدای خویش منظور جهان باشی
به حدی باده عشقت نموده مست و سر شام
به سرو قامتت نام خدا هر جامه می زبید
چو در شطرنج بازی مات کردم شاد می گردی
دلَم را برده ای و منکری گوئی نبردستم
ندیدی عشقري یارِ جفا جویت بُرید آخر

اگر چه بود و باش من بود در یک وطن با تو
نگردیدم هزار افسوس بر دور چمن با تو
اگر یک روز گل می چیدم از دشت و دمن با تو
چه نسبت دارد از بهر خدا این اهریمن با تو
ندارد یکسر مو نسبت آهوی ختن با تو
عجب کیفیتي دارد نگارا سوختن با تو
ز روی راستی اخلاص دارد مرد و زن با تو
خیالت پیش رو آورده می دارم اتن با تو
نمود دیگری دارد درازئی چین با تو
ز بردن کرده کوشش می کنم در باختن با تو
چه گویم شاهد من بین این یک انجمن با تو
اگر چه ابتداء سر می کشید از یک یخن با تو